

تقدیم به فرماندهی گمنامی  
که آرزوی شهادت در دلش شعله  
می‌کشید و به برکت نامش  
گرد هم آمدیم...

# شب بی ستاره

خاطرات شفاهی سردار علی فضلی

مؤلف: محمدمهدی بهداروند

## پیشگفتار

جنگ به عنوان یکی از شگفت‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی که آن را آفریننده تاریخ خوانده‌اند؛ جزئی از زندگی بشر بوده است که از یک نگاه شاید عادی‌ترین پدیده اجتماعی برای بشر به شمار رود.

جامعه انسانی به منظور دستیابی به یک زندگی بهتر، برای مطالعه بسیاری از پدیده‌های کم‌اهمیت‌تر از جنگ، آزمایشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی بسیاری ایجاد نموده تا از طریق آن، ضمن مطالعه و بررسی پدیده‌ها و دست یافتن به عوامل و آثار آن‌ها و از بین بردن تأثیرات منفی و یا افزایش و فراگیر نمودن تأثیرات مثبت پدیده‌ها، به این امر مهم دست یابد. عجیب است چرا تاکنون هیچ مؤسسه تحقیقاتی برای بررسی جنگ، به عنوان پدیده‌ای که شاید بیش از تمامی بلاها و حوادث طبیعی قربانی گرفته، تأسیس نشده است. دلیل این مسأله این است که پدیده جنگ در عین حیرت‌انگیز بودن، آن قدر برای انسان عادی است که به سختی از آن شگفت‌زده می‌شویم.

در سطح استراتژیک و عملیاتی و چه در سطح تاکتیک، جنگ‌ها با توجه به عواملی مانند انتخاب هدف، زمان، مکان، شرایط حاکم بر طرح‌ریزی و نوع فرماندهی و کنترل، در مرحله هدایت و اجرا هیچ‌گاه ویژگی‌های کاملاً

مشابهی ندارند، نکته جالبی است که هنگام بررسی به آن بر می‌خوریم. اگر چه مبانی طرح‌ریزی عملیات‌های نظامی (جو، زمین دشمن و توانایی‌های خودی) در سطح کلان، از قاعده و اصل مشترکی پیروی می‌کند، اما به سبب تفاوت‌های آشکار در جزئیات طرح‌ریزی و هدایت، هر یک از آن‌ها و به تبع آن، ویژگی‌های آن‌ها را از عملیات‌های دیگر متمایز می‌نماید.

کارنامه هشت‌ساله دفاع مقدس، گویای اجرای نبردهای متعددی است که دامنه نتایج هر یک، از حفظ روحیه آفندی در نیروهای خودی مستقر در مناطق نبرد تا سلب میل جنگ‌جویی در هر دشمنی که بخواهد به مرزهای میهن اسلامی تعرض نماید و تا انهدام تمامی نیروهای متعرض، جز پیروزی چیز دیگری نیست.

عملیات‌های نظامی ایران در دفاع مقدس، در مقایسه با سایر عملیات‌های نظامی، در طول تاریخ جنگ‌ها به علل گوناگونی چون روحیه‌ای سرشار از ایمان و اعتقاد شیعی، و از همه مهم‌تر فرماندهی و هدایت توسط یک عالم دینی و حضور همه‌جانبه مردمی، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است.

پس از پایان جنگ و در طول این سال‌ها، همواره آرزو داشتم تا وقت فراخی پیدا کنم و حوادث دوران دفاع مقدس را با آرامش و خط به خط بنویسم تا در تاریخ ثبت شود، ولی افسوس که تا امروز چنین توفیقی نصیب من نشده بود.

اکنون که محقق محترم، قدم به این میدان عظیم نهاده و به تبیین تاریخ دفاع مقدس مشغول شده، بنده از تحقق بخشی از آرزوهایم به دست ایشان، بسیار خوشحالم.

«حجت الاسلام دکتر محمدمهدی بهداروند» از بچه‌های خوزستان

است که با شروع حمله عراق به ایران تا پایان جنگ، در جبهه‌های نبرد حضور داشت و خاطرات فراوانی از این ایام دارد. بنده ایشان را اولین بار در ستاد کل نیروهای مسلح، در اتاق کارم (اداره امنیت) ملاقات نمودم. در آن زمان ایشان آمده بود تا یادداشتی برای کتاب «بیست یادداشت از بیست فرمانده» از من بگیرد.

در ایام ماه صفر، بنده دوباره ایشان را در منزل «سردار احمد سوداگر» ملاقات کردم که ایشان به عنوان سخنران دعوت شده بودند. از همان زمان ارتباطات ما بیش‌تر و بیش‌تر شد تا این‌که روزی بنده به منزل ایشان رفته بودم، کتاب سبز رنگی را در مقابلم قرار داد و گفت: «این کتاب، بخشی از خاطرات شماس‌ت که نام آن را «تا کرانه‌ها» نهادم.»

با دیدن کتاب، بسیار متعجب شدم و در میان جمع، صمیمانه از ایشان تشکر کردم و برای توفیق روزافزون ایشان دعا نمودم.

با رفتن من از ستاد کل به معاونت عملیات ستاد مشترک سپاه، جلسات تبیین تاریخ شفاهی ما بیش‌تر شد. او در هر جلسه، بخشی از خاطرات مان را مستند و بازآفرینی می‌کرد و در جلسه بعد با خود می‌آورد.

در مراسم یادواره شهیدان حوزه‌های علمیه، در مورد «عملیات کربلای پنج» به تفصیل صحبت کردم، سپس در مسجد موسی بن جعفر علیه السلام شهرک شهدا، در مورد برادرم صیاد شیرازی و دیگر شهدا سخنانی گفتم. آقای بهداروند نیز همه آن خاطرات و صحبت‌ها را مدون نمود و مجموعه‌ای تقریباً کامل فراهم کرد.

برای برادرم، دکتر محمد مهدی بهداروند از خداوند متعال سعادت و بهروزی تمنا دارم و امیدوارم به پاس زحمات بی‌شائبه‌اش مورد لطف شهیدان و ارباب آنان قرار گیرد.

[اکنون که] کتاب «شب بی‌ستاره» در مقابل شماست، امیدوارم با خواندن آن، فضای ایام حماسه و غیرت در دل‌تان زنده شود و هوای آسمان کند.

علی‌فضلی

تهران-۱۳۸۶

## مقدمه

خاطرات شفاهی رزمندگان و فرماندهان دفاع مقدس در زمان حاضر که سال‌ها و دهه‌ها با پایان یافتن جنگ تحمیلی فاصله گرفته‌ایم به امری مقدس و مبارک است که کارکرد بسزایی در تدوین آن دوران حماسه و مقاومت دارد.

هشت سال مقاومت مردمی که از افتخارات مانا و فراموش نشدنی است که همواره در یاد و خاطره‌ها خواهد ماند. امروزه آنچه می‌تواند به عنوان فرهنگی مولد - پویا و رو به تعالی در جامعه قرار گیرد چیزی غیر از تبلیغ و تبیین گفتمان جهاد و شهادت نیست.

این مهم برعهده متولیان امرست که فرهنگ ایثار و شهادت را در برابر تهاجم سازمان‌یافته غرب در جامعه تشریح و بازگو نماییم. انجام این امر فراموش‌شده و یا کم‌رنگ عاملی برای جلوگیری از تحریف تغییر حقایق دوران دفاع مقدس است.

بر این اساس، ارزش تاریخ نه به آن است که انسان‌ها با خواندن آن سرگرم شوند یا آنکه به آن ببالند یا افسوس بخورند، بلکه به آن است که می‌تواند چون جهانمایی عمل کند که جوانان و جامعه ما را از آینده خبردار

کند و باعث هوشیاری شود. مطالعه مرارت‌ها، مقاومت‌ها، اضطراب‌ها، ترس و امیدها، پیروزی‌ها و... همه و همه صرفاً مطالعه‌ی خاطرات گذشته نیست، بلکه به تعبیر مقام معظم رهبری (حفظه الله) گنجی است مملو از باید و نبایدها، پیروزی‌ها و ناکامی‌ها، لزوم آمادگی‌ها و...

هرگز تاریخ هشت سال دفاع مقدس را به تعبیر دوست و فرمانده خوبم حاج سلیمانی، نمی‌توان بدون توجه به نقش فرماندهان شهید در نظر گرفت. تصور صحنه جنگ و حماسه، بدون ذکر خیر سرداران بزرگی چون احمد کاظمی، علی هاشمی، مهدی باکری، فضل‌ی، ردانی پور، بشر دوست و... میسور نیست.

امروز ایران و فرا ایران تشنه شنیدن تاریخ شفاهی آن روزهای بزرگ و زیباست. ادبیات دفاع مقدس در موقعیتی گران سنگ قرار گرفته که می‌تواند عاملی برای نشر ارزش‌های و سجدیه‌های اخلاقی ملت ایران باشد. سردار علی فضل‌ی از جمله فرماندهانی است که از روزهای اول تهاجم ارتش بعث عراق علیه ایران اسلامی، دلیرانه وارد معرکه شد و در صف مدافعین از انقلاب اسلامی قرار گرفت.

او با قدرت فرماندهی و مدیریت خود توانست پله‌های ترقی و رشد را یکی پس از دیگری؛ اخلاص و گمنامی طی نماید و با منصب فرماندهی لشکر ده سید الشهداء در کنار سرداران شهیدی چون یدالله کلهر، داود آجرلو، باقر تاجیک، احمد آجرلو، ابراهیم کسایان، غلام کیان پور، حسین میر رضی، احمد عراقی در بزرگترین عملیات نقش آفرینی نماید.

سردار فضل‌ی از جمله فرماندهانی است که همیشه خدا براساس تکلیف عمل نموده و هرگز پا پس نکشیده است.

او همچنان حاج علی سپاه گچساران و فرمانده تیپ المهدی و... است  
و همان روحیه صفا و صمیمیت را دارد.

برای این دوست نازنینم بهترین خوبی‌ها را آرزومندم و امیدوارم با وجود  
این مردان مرد همواره کشورمان در کمال آرامش و امنیت باشد.  
از مدیریت مؤسسه شهید احمد کاظمی، جناب آقای خلیلی به دلیل بذل  
محبتشان در انتشار این مجموعه سپاس گذارم.

محمد مهدی بهداروند

بهار ۱۳۹۷



### مقدمه چاپ نخست

در عالم اسلام، دو هنر بیداری و به تبع آن، مقاومت و ستیز ظهور کرد که باطن هر دو؛ تفکر و پارسایی، برخاسته از ایمان بود. یکی مردمان را به جهاد اصغر و ستیز با غیر و دیگری به جهاد اکبر و ستیز با خویشتن فرا می خواند.<sup>۱</sup>

پس از پایان جنگ تحمیلی، ضرورت تدوین تاریخ دفاع مقدس از زبان رزمندگان و فرماندهان آنان و اسناد و مدارک بجای مانده، جای تاریخ نگاری جنگ را در عرصه تحقیق و پژوهش گشود؛ عده ای در تحقق عینی این ضرورت، تنها به جنبه نظری و کلاسیک جنگ در قالب تحلیل عملیات ها، کاستی ها و قوت های آن پرداختند؛ اما این کار هیچ نیازی را از مردم جامعه برطرف نمی کرد و تنها به درد دوره های دانشکده های دافوس<sup>۲</sup> و جنگ می خورد.

برخی دیگر در اوج عسرت، خیمه ای را برپا ساختند و با دعوت از رزمندگان برای بیان خاطرات شان حرکتی نو و بدیع را آغاز نمودند.

۱. دکتر محمد مددپور، تأملاتی در باب ماهیت و ذات هنر و ادبیات انقلاب و دفاع مقدس.

۲. دانشگاه فرماندهی و ستاد که به اختصار دافوس خوانده می شود، در ایران به ارائه دوره های تخصصی آموزش علمی و نظامی می پردازد که برای اخذ درجه های بالاتر از سرهنگی و فوق لیسانس باید توسط نیروهای نظامی گذارنده شود.

مرتضی سرهنگی و هدایت الله بهبودی؛ دوقلوهای فرهنگی هستند که با تمام وجود پای در این میدان نهادند و تمام فراز و نشیب‌ها را پشت سر گذاشتند. اولین کاری که بنده در زمینه ادبیات مقاومت انجام دادم، مجموعه‌ای با نام «پای مسافر» بود که بعدها به «جاده‌های سری» تغییر نام یافت. این مجموعه شامل خاطرات «سردار احمد سوداگر» بود که تدوین و گردآوری آن حدود دو سال به طول انجامید و به عنوان کتاب سال دفاع مقدس معرفی گردید و تجدید چاپ شد؛ کتاب دوم بنده، شرح نامه تاریخی علی شمخانی؛ فرمانده سپاه اهواز در اوایل جنگ، حاصل برگزاری جلساتی با ایشان و همکاری سردار سوداگر بوده که با عنوان «به داد ما برسید» منتشر شده است؛ اینک خاطرات سردار علی فضلی تحت عنوان «شب بی ستاره» در برابر شماست. امیدوارم این مجموعه، کاری در خور شخصیت این دوست خوبم در دوران جنگ و پس از آن باشد.

من پس از ثبت و ضبط خاطرات صوتی سردار فضلی، ضمن تدوین، تحقیق و بازآفرینی برخی از خاطرات ایشان، تمام کار را برای انجام برخی اصلاحات و ملاحظات به ایشان دادم. مجموعه حاضر نتیجه مراحل تمام شده کار است. مجموعه حاضر در جست‌وجوی حق و حقیقت بوده و بر آن است تا آنچه را یافته و دیده است، بدون کم‌وکاستی گزارش دهد و رمز ماندگاری‌اش فراتر از من و ما، اینجا و آنجا، و امروز و فرداست.

بنده برای علی فضلی و تمام دوستان فرمانده دفاع مقدس آرزوی سلامتی دارم و امیدوارم دیگران نیز مانند علی فضلی، خاطرات خود را برای ثبت در تاریخ بیان نمایند.

محمد مهدی بهداروند

تهران-۱۳۸۶